

## فهرست مطالب

## صفحه

### فصل اول

۲	(۱-۱) مقدمه
۳	(۲-۱) روش پژوهش
	فصل دوم
۶	(۱-۲) سلسله ساسانی
۷	(۲-۲) دین در دوران ساسانی
۸	(۳-۲) فرهنگ ساسانی
۱۰	(۴-۲) پادشاهی ساسانی
۱۱	(۱-۴-۲) مفهوم فر و شکوه الهی
۱۲	(۵-۲) مراسم دربار شاهان ایران در زمان ساسانی
۱۳	(۲-۵-۲) شکارگاه
۱۴	(۳-۵-۲) شکار
۱۵	(۴-۵-۲) پادشاه خسرو پرویز
۱۶	(۵-۵-۲) البسه درباریان
۱۸	(۶-۵-۲) تاج
۱۸	(۶-۲) ویژگی های عمومی هنر ساسانی
۲۱	(۲-۶-۲) معماری ساسانی
۲۲	(۳-۶-۲) نقاشی ساسانی
۲۳	(۴-۶-۲) نقاشی دیواری ساسانی
۲۶	(۷-۲) دربار مانی و نقاشی مانوی
۲۸	(۸-۲) موضوع در دیواره نگارهای ساسانی
۲۹	(۹-۲) خصوصیت نقش برجسته های ساسانی
۳۲	(۱۰-۲) ترکیب بندی در هنرهای ساسانی
۳۲	(۱۱-۲) طرح و نقش های دوران ساسانی

۳۶	رنگ‌های مورد علاقه ایرانیان از آغاز تا پایان دوره ساسانی فصل سوم:
۵۷	۱-۳) تعریف تصویرگری
۶۱	۱-۱-۳) تاریخ تصویرگری در ایران
۶۴	۲-۱-۳) تصویرگری کتاب در دوره ساسانی
۶۵	۳-۱-۳) تصویرگری در دوره ساسانی
۷۱	۲-۳) تعریف روایت
۷۴	۱_۲_۳) داستان‌های شاهان ایرانی
۷۵	۲-۲-۳) سرودها و آثار منظوم در درباره خسرو پرویز
۷۶	۳-۳) اسطوره
۷۸	۴-۳) تاریخچه پیدایش سمبول و اسطوره در ایران
۸۰	۴-۳) شیوه بیان
۸۰	۵-۳) نماد
۸۱	۶-۳) انیمیشن (پویانمایی) چیست؟
۸۳	۱-۶-۳) ابتدایی ترین شکل انیمیشن
۸۵	۲-۶-۳) اصول پایه ساخت انیمیشن
۸۶	۷-۳) فیلم انیمیشن:
۹۱	۸-۳) قابلیت های انیمیشن
۹۳	۹-۳) چرا انیمیشن؟
۹۴	۱-۹-۳) وجه مشترک هنر گرافیک انیمیشن
۹۴	۱۰-۳) رابطه بویانمایی با متن
۹۶	۱-۱۰-۳) رابطه نقوش برجسته شکارگاه تاق بستان با متون کهن:
۹۷	۱۱-۳) تعریف حرکت و نقش آن در هنرها:
۹۹	۱-۱۱-۳) حرکت در انیمیشن و فیلم
۱۰۲	۲-۱۱-۳) حرکت در هنر ساسانی و تشابه آن با پویانمایی فصل چهارم

- ۱۰۷ (۱-۴) معماری تاق بستان
- ۱۰۸ (۲-۴) بررسی جنبه های روایتگری در نقش برجسته شکار گراز تاق بستان
- ۱۰۹ (۱-۳-۴) گروه اول: فیل سواران
- ۱۱۰ (۲-۳-۴) گروه دوم: قایق رقصندگان
- ۱۱۲ (۳-۳-۴) گروه سوم: قایق نوازندگان
- ۱۱۳ (۴\_۳\_۴) گروه چهارم: قایق های شاه
- ۱۱۵ (۴\_۴) لباس خدمه قایق شاه
- ۱۱۵ (۱-۴\_۴) لباس نوازنده چنگ در قایق شاه
- ۱۱۶ (۲\_۴\_۴) لباس سایر گروه ها
- ۱۱۷ (۵\_۴) رنگ طرح ها و نقوش لباس شخصیت های صحنه شکار گراز
- ۱۱۸ (۶-۴) بررسی نمادهای استفاده شده در نقش برجسته شکار گراز و سایر آثار ساسانی
- ۱۱۸ (۱\_۶\_۴) نقش سیمرغ
- ۱۲۰ (۲\_۶\_۴) نقش گراز
- ۱۲۱ (۳\_۶\_۴) شاهین یا عقاب
- ۱۲۲ (۴\_۶\_۴) نقش طاووس
- ۱۲۳ (۵\_۶\_۴) نقش پرنده
- ۱۲۴ (۶\_۶\_۴) نقش فیل
- ۱۲۵ (۷\_۶\_۴) نقش ماهی
- ۱۲۶ (۷\_۴) شیوه بیان در تصویرسازی ساسانی
- ۱۳۴ (۸\_۴) فضا در نقش برجسته شکار گراز
- ۱۳۶ (۹\_۴) بررسی جنبه های روایتگری در نقش برجسته شکار گراز تاق بستان
- ۱۴۱ (۱۰\_۴) حرکت در نقش برجسته شکار گاه
- ۱۶۳ نتیجه گیری

۱۶۵

۱۶۶

۱۶۸

پیشنهادات

گزارش کار

منابع و مأخذ

# فصل اول

(۱-۱) مقدمه

(۲-۱) روش پژوهش

## ۱-۱) مقدمه

ایران به دلیل آنکه یکی از سرزمین‌هایی است که در بحث فرهنگ و تمدن، از قدمت چند هزار ساله‌ای برخوردار است، همواره موضوع پژوهش و تحقیق و تجربه محققین و دانشمندان باستان‌شناس بوده است. لابه‌لای همین دیرینگی، می‌توان به جستجوی تاریخی هنرهای تجسمی نیز پرداخت و در این رساله، این جستجو را به عرصه تصویرگری دوره ساسانی - که به راستی دوره‌ای غنی و پر بار به لحاظ هنری است - می‌کشانیم. بویژه این مبحث را در یکی از حجاری‌های به نام و تأمل‌برانگیز این دوره، یعنی حجاری شکارگاه تاق بستان دنبال می‌کنیم؛ چراکه بحث روایت و قصه‌پردازی که یکی از اصول اولیه تصویرگری و نیز بیان گرافیکی و پر حرکتی که اثر را جان بخشیده است و آن را به یک اثر پویانمایی شبیه نموده در این حجاری به وضوح دیده می‌شود و با بررسی ویژگی‌های این اثر هنری می‌توانیم ویژگی‌های خاص ایرانی در مبحث تصویرگری را استخراج و به علاقمندان این رشته معرفی کنیم. چه بسا که با شناخت این ویژگی‌ها در تصویرگری ایران باستان و تلفیق آن با تکنیک‌ها و یافته‌های نوین عصر حاضر، بتوان دست به نوآوری‌های خلاق و تأمل‌برانگیزی زد که در جهت هر چه پویاتر شدن هنر ایرانی مؤثر و مفید واقع شود.

## ۲-۱) روش پژوهش

برای انجام این پژوهش ابتدا لازم دیدم تا اطلاعاتی از ویژگی ها و هنر دوره مورد بحث (ساسانی) را جمع آوری کنم و سپس با تاکید بر تعاریف روایت، تصویرگری، پویانمایی و حرکت به ارائه مباحثی درباره نقش آنها و بیان جنبه های تصویرگرانه و روایت پردازانه و نقش حرکت در در هنر ساسانی (نقش برجسته شکارگاه طاق بستان) بپردازم. در کنار این، تلاش کردم تا مجموعه ای از تصاویری را که می توانست به تکمیل بحث های ایراد شده کمک کند، در این پژوهش بگنجانم.

# فصل دوم

(۱-۲) سلسله ساسانی

(۲-۲) دین در دوران ساسانی

(۳-۲) فرهنگ ساسانی

(۴-۲) پادشاهی ساسانی

(۱-۴-۲) مفهوم فر و شکوه الهی

(۵-۲) مراسم دربار شاهان ایران در زمان ساسانی

(۲-۵-۲) شکارگاه

(۳-۵-۲) شکار

(۴-۵-۲) پادشاه خسرو پرویز

(۵-۵-۲) البسه درباریان

(۶-۵-۲) تاج

(۶-۲) ویژگی های عمومی هنر ساسانی

(۲-۶-۲) معماری ساسانی



۳-۶-۲ نقاشی ساسانی

۴-۶-۲ نقاشی دیواری ساسانی

۷-۲ دربار مانی و نقاشی مانوی

۸-۲ موضوع در دیواره نگارهای ساسانی

۹-۲ خصوصیت نقش برجسته‌های ساسانی

۱۰-۲ ترکیب‌بندی در هنرهای ساسانی

۱۱-۲ طرح و نقش‌های دوران ساسانی

۱۲-۲ رنگ‌های مورد علاقه ایرانیان از آغاز تا پایان دوره ساسانی

## ۱-۲) سلسله ساسانی

سلسله ساسانی که نامش را از ساسان، بزرگ پارس و موبد موبدان معبد آناهیتا در استخر گرفته، از سده سوم تا سده هفتم میلادی در ایران حاکم بود و آخرین امپراطوری ایران را قبل از سلطه اسلام بر ایران، شکل داد. این سلسله را اردشیر اول در سال ۲۲۶ میلادی، پس از شکست اردوان پنجم، آخرین پادشاه پارت، بنیان گذاشت. دوران ساسانی از نظر سیاسی و عقیدتی، نماینده طغیان ملی ایرانیان علیه پارتیان، غاصبان قدرت، بود و هدف آن نیز احیای امپراطوری هخامنشی بود.

*(منبع: ماریو. بوسایی، امیرتو. شراتو، ۱۳۸۳، هنر پارتی و ساسانی، دکتر یعقوب آژند، انتشارات مولی، تهران)*

دودمان ساسانی قریب به ۵ قرن در ایران فرمانروایی کردند. ایرانیان در زمان این امپراطوری نیرومند به زبان پهلوی سخن می‌گفتند و می‌نوشتند. در چنین جامعه‌ای اشراف و قدرتمندان و سرمایه‌داران بزرگ، به‌ویژه درباریان توانستند که هنرمندان و آثار هنری و فرهنگی را زیر سلطه خود درآورند. بدیهی است در چنین جامعه‌ای هرگز هنری اجتماعی و مردمی که محصول ذوق و سلیقه جامعه باشد، به‌وجود نخواهد آمد. با وجود این در حقیقت فرهنگ و تمدن ساسانی در آغاز امر کاملاً متأثر از گذشته ایران بود که می‌بایست به تدریج مراحل را بیماید و هنر ایرانی که سبکی ترکیبی بود، در بوته ملیت ایرانی جای گرفت و هنرمندان سعی داشتند که خلق آثار هنری آنها متأثر از هخامنشیان باشد؛ گرچه منکر نفوذ هنر پارتی و رومی در این زمان نمی‌توان شد. مع الوصف با هنر روم و بیزانس رقابت می‌کرد.

*(منبع: فهینی فر. اصغر، ۱۳۷۶، عشق شرقی، آشنایی با هنر دینی در تاریخ باستان، صص ۱۲۱ تا ۱۱۷، نشر قادر، تهران)*

شاهان ساسانی بسیاریشان باهوش و دارای انضباط بودند و به ایجاد یک شاهنشاهی همانند شاهنشاهی کوروش و داریوش توفیق یافتند. هنر و معماری هر دو بازتابی از توانایی و منش آنان

بود؛ همه حالتی پهلوانی داشت. دارای مقیاس بزرگ، با شکل‌های نیرومند، ابداعی، آمرانه و غالباً دارای رنگ‌های مجلل.

(منبع: پوپ. آرتور، ۱۳۸۴، معماری ایران، غلامحسین صدرافشار، بخش معماری ساسانی، نشر اختر، تهران)

## ۲-۲) دین در دوران ساسانی

ساسانیان از ابتدا با روحانیان زرتشتی متحد شدند و این رابطه محبت‌آمیز در میان دین و دولت تا آخر عهد آنان استحکام داشت. بنا بر روایت پارسیان، اردشیر اول پس از جلوس، هیربدان هیربد تنسر را فرمان داد که متون پراکنده اوستای عهد اشکانی را جمع و تالیف کند تا آن را کتاب رسمی و قانونی قرار دهند... اوستای ساسانی که قسمت کوچکی از آن فعلاً باقی است و خلاصه قسمت‌های مفقود آن را در کتاب هشتم و نهم دینکرد، که در قرن نهم میلادی به زبان پهلوی نوشته شده، می‌بینیم که در آن علوم مختلف مندرج بوده است.

(منبع: کریستین سن، آرتور، ۱۳۸۷، ایران در زمان ساسانیان، رشید یاسمی، صص ۱۵۱-۱۵۲، نشر آگه، تهران)

البته می‌دانیم که در زمان ساسانیان تنوع ادیان و مذاهب در ایران وجود داشته است؛ اما آنچه از شواهد امر برمی‌آید این است که مذهب مورد پسند شاهان ساسانی همان پیروی از آئین زرتشتی بوده است.

در این دوران ادیان جدیدی به وسیله مانی و مزدک ظهور کرد که به سبب پرهیز و وارستگی کاملی که مانی به آن امر می‌کرد و ترک دنیا و سلب علاقه از ماده که هدف غایی مزدکیسم بود و چه از نظر مقامات سیاسی و چه مذهبی، زیان بخش تشخیص داده شده بود.

(منبع: پوپ. آرتور، ۱۳۸۴، معماری ایران، غلامحسین صدرافشار، بخش معماری ساسانی، نشر اختر، تهران)

آنان (ساسانیان) که دین خود را سخت جدی می گرفتند، اصول زرتشتی را با ویژگی پرستش نیروهای طبیعی احیا کردند. خورشید نماد نخستین و آتش و آب بلافاصله در مقام بعدی محترم شمرده می شدند و مورد پرستش و نذر و نیاز بودند؛ به ویژه آتش به عنوان مظهر فره ایزدی و نماد راستی بود.

## ۲-۳) فرهنگ ساسانی

جشن های سالیانه عهد ساسانیان، عموماً دارای صورت دهقانی و روستایی بوده است و در اصل با امور کشاورزی بستگی داشته است. چون دین رسمی ساسانیان این اعیاد را پذیرفته بود، هنگام اجرای جشن از یک طرف مراسم مذهبی صورت می گرفت و از طرف دیگر تشریفات و اعمال خاصی انجام می شد. مبدا این اعمال خیر، اعتقاد به سحر و جادو بوده است؛ اما رفته رفته مبدل به مراسم عادی گشته، تفریحات عامیانه ملل به خوبی از آن اطلاع دارند، اکثر این جشن های سالیانه را مردمان با یکی از حوادث تاریخ داستانی مربوط می کرده اند. مثلاً فلان عید را یادگار فلان واقعه می دانستند که در عهد جمشید یا فریدون یا پهلوانی داستانی رخ داده بود... اعیاد فصول سال را گاهنبار می گفته اند که عده آن ها شش بوده است و هر یک، پنج روز امتداد داشته است. در این ایام بر طبق احکام مقرر بعضی مراسم را اجرا و گوسفند قربانی می کرده اند. اسامی اوستایی این گاهنبارها از این قرار است:

۱- میذیوی زرمیه (در ماه اردیبهشت)

۲- میذیوی شم (در ماه تیر)

۳- پیئیش ههیه (در ماه شهریور)

۴- آیاتریمه (در ماه مهر)

۵- میدیائیریّه (در ماه دی)

۶- همسپثمئیدیه (در آغاز عید اموات بوده و ده شبانه روز امتداد داشته است)

در مورد گاهانبار اخیر بیرونی می گوید: در آن ایام، در روی برج اموات (دخمه) غذا می نهادند و بر بام منازل مشروباتی می گذاشتند تا فروشی مردگان که در این موقع به طور نامرئی در میان اعضای خانواده خود حضور می یافتند، از آن تناول کنند و نیز مقداری راسن دود می کردند که به زعم آنان بوی آن مطبوع مردگان است.

در زمان ایشان سه نوع تقویم وجود داشته است: تقویم قمری، تقویم کشوری و رسمی شمسی و تقویم دین که آن را وهیزگیه می نامیدند... از مهمترین اعیاد ایشان، نوروز بود که هنوز هم ادامه دارد. این جشن در آغاز سال و در سال دینی بعد از عید فروردیدگان می آمد. به موجب روایت دینکرد، هر پادشاهی در این روز فرخنده رعیت مملکت خویش را قرین شادی و خرمی می کرد و در این عید کسانی که کار می کرده اند، دست از کار می کشیده اند و به استراحت و شادمانی می پرداخته اند.

در هر ماه، روزی را که با اسم آن ماه مطابق بوده است، عید می گرفتند. مثلاً،

جشن تیرگان (که در آن روز آب تنی می کردند و گندم و میوه پخش می کردند). عید، عید آتش خانه محسوب می شد. در داخل خانه ها آتش های بزرگ می افروختند و در ستایش هدا و شکر نعم او سعی بلیغ می کردند... مرگان یا عید مهر، با یادگار حوادثی که در آغاز آفرینش جهان رخ داده و به یاد وقایعی که در تاریخ داستانی مذکور است، وضع شده بود. از جمله ی سایر جشن

ها، جشن و هار جشن، خرم روز، جشن سیر سوور، جشن سدگ، جشن آبریزگان (که یک نوع ساحری و هدف از آن آمدن باران بوده است)، عید زنان در روز اسپندارمد و ... بوده است.

(منبع: کریستین سن، آرتور، ۱۳۸۷، ایران در زمان ساسانیان، رشید یاسمی، صص ۱۸۰-۱۸۸ نشر آگه، تهران)

## ۲-۴) پادشاهی ساسانی:

ساسانیان ایمان داشتند که سلطنت ایشان به مشیت الهی است، زیرا با تجدید سلطنت ساسانی که سلسله ای ملی بوده، اعتقاد کهن ایرانی به مسئولیت الهی شاهنشاه (که سابقه ممتدی پیش از ایرانیان داشت)، بار دیگر رواج یافت. جنبه الهی مسئولیت شاه از آن جهت بود که سلطنت، ودیعه خداوند شمرده می شد و شاهنشاه نایب خدا در زمین بود. نتیجه این اعتقاد به اساس سلطنت آن بود که قسمت مهمی از قدرت الهی نصیب شاه می شد و همین نیروی باطنی بود که برای کشور و اتباع او آن همه منابع از فراوانی نعمت و آسایش و پیروزی در جنگ به بار آورد. از میان رفتن هر یک از این منابع نشانه آن شمرده می شد که عنایت الهی سلب شده و شاه ممکن است تغییر یابد.

ابن خلدون گوید: "در خلعت های شاهانه بر حسب عادت، تمثال همایونی را نقش می کردند، یا تصاویری می یافتند که علائم سلطنتی را در برداشت. شاپور دوم مانوئل Manuel سردار ارمنی را به جامه شاهانه و خلعتی از خز و سنجاب مفتخر فرموده و وی را زیوری از طلا و نقره داد که بر کلاه خود نصب کند و دستاری که بر پیشانی ببندد، و زیورهای سینه پوش شبیه آنچه پادشاهان

می‌بندند، و خیمه ارغوانی با یک علم و قالی‌های بزرگ آسمانی رنگ به او بخشید که بر مدخل خیمه خود بیاویزد و ظروف زرین، که بر خوان خویش بگذارد.

دستار (یعنی دیهیم) زربافت و مزین به مروارید بنا بر روایت پروکوپئوس پس از مقام سلطنت، بزرگترین نشانه افتخار بود؛ نیز گوید هیچ کس حق نداشت انگشتی طلا و کمر بند و حلقه و غیره بر خویش نصب کند، مگر این که از شاه آنها را گرفته باشد. اگر مردی نسبت به دولت یا پادشاه خدمتی کرده بود، که استحقاق تذکر داشت، نام او را در کتیبه‌های انبیه سلطنتی ذکر می‌کردند.

(منبع: سودآور. ابوالعلاء، ۱۳۸۰، هنر دربارهای ایران، ناهید محمد شمیرانی، نشر کارنگ، تهران)

## ۲-۴-۱) مفهوم فر و شکوه الهی:

فر الهی به واسطه پیروزی‌های متعدد و قدرت شاه احراز می‌شود و خود حکومت و اقتدار پادشاه را تضمین می‌کند.

تعدادی از پیروزی‌ها و فتوح پادشاه فر و شوکت الهی شاه و فرزندان او را بیش از پیش تقویت و تایید می‌کند؛ بنابراین خاندان ساسانیان که شکوه الهی را از اردشیر به ارث برده بودند، مدعی می‌شوند که خداوند خاندان آنها را برای حکومت بر سرزمین فارس برگزیده و گمارده است چنان که شاه، پیشوایی معنوی و غیرمعنوی جامعه را به عهده گرفت آنگونه که اردشیر انجام داد قدرت و نفوذ وراثت‌ش بلامنزاع شد.

شاه به دلیل دانستن فر الهی باید عدالت گستر باشد و به مسائل مذهبی نیز توجه ویژه کند او البته قادر مطلق نیست و جایز الخطاست. اگر وظایفش را به خوبی انجام ندهد البته فر و شکوه الهی از او گسسته می شود در نتیجه هرج و مرج و بی نظمی اجتماع را فرا می گیرد. وجود وزرای خردمند در دستگاه حکومت و دربار ضروری شد تا در زمان احتیاج بتواند در اداره کشور شاه را یاری کنند.

(منبع: سودآور. ابوالعلاء ۱۳۸۰، هنر دربارهای ایران، ناهید محمد شمیرانی، مقدمه، نشر کارنگ، تهران)

## ۲-۵) مراسم دربار شاهان ایران در زمان ساسانی:

راجع به مراسم سخت و آداب دقیقی که در دربار حکم فرما بود، اطلاعات جامعی از کتاب التاج جاحظ می توان به دست آورد. ظاهراً مؤلف آنها را از گاهنامگ یا آیین نامگ اخذ و اقتباس نموده است. جاهر نخست به ذکر تبعات سه گانه درباریان می پردازد، که گویند از تاسیسات اردشیر اول است، طبقه اول اسواران و شاهزادگان بودند، که به فاصله ده ذراع از پرده ای قرار می گرفتند، که حد فاصل میان شاه و حاضران بود، در فاصله ده ذراع از آن، طبقه ندیمان و محارم پادشاه و استادان موسیقی و رامش گران می ایستادند. طبقه سوم، که اصحاب طرب و مقلدان و بازیگران بودند، در فاصله ده ذراع از طبقه دوم قرار می گرفتند. حتی در این طبقه هم اشخاص پست نژاد را راه نمی دادند، اگر چه اولاد بافندگان ماهر و جراحان زبردست باشند و مردمان ناقص الخلقه و مریض را هم در زمره حاضران نمی پذیرفتند.



جاحظ گوید: اردشیر استادان موسیقی و رامش‌گران را در برابر طبقه اول، که اسواران و شاهزادگان هستند، قرار می‌داد و موسیقی نوازان دیگر را در ردیف دوم از ندیمان درباری جای می‌فرمود و در قبال طبقه سوم نوازندگان نای و سنج و سایر آلات را قرار نمی‌داد.

(قدرت و هیجان و تسلیت و اطمینان از خواص اصول اداری و دولتی این زمان بود و همین نکات در آثار هنرمندان ساسانی از همه بیشتر در ظرف‌های نقره سلطنتی که دارای نقوش تمثیلی است، دیده می‌شود.)

(منبع: اپهام پوپ. آرتور، ۱۳۸۷، اقتباس و نگارش، پرویز خانلری، ص ۶۷، نشر علمی و فرهنگی، تهران)

## ۲-۵-۲) شکارگاه

بنا بر روایت شئو فانس قیصر در باغ بزرگی که جزو قصر خسرو بود و آن را «فردوس» (Paradis) می‌گفتند، شترمرغ و غزال و گورخر، طاووس و شیرو پلنگ بسیار دید. این محوطه ظاهراً شکارگاه خسرو بود، که نقش آن در جدار جنین طاق بستان می‌بینیم.

(منبع: سودآور. ابوالعلاء، ۱۳۸۰، هنر دربارهای ایران، ناهید محمد شمیرانی، مقدمه، نشر کارنگ، تهران)

## ۲-۵-۳) شکار:

اینکه قدرت آسمانی در وجود شخص شاه باقی است از پیروزی او در شکار معلوم می‌شد و به این سبب نقش مجالس شکار شاهانه وسیله مناسب و موضوع متداول کار هنرمندان در زمینه‌های گوناگون بود. آثاری که از این مجالس شکار به جای مانده در روی جام «لب تخت» شراب و ... و غیره بوده است. در پادشاهی ساسانی فقط عده‌ای از نجیب زادگان، مانند عهد هخامنشی، در دربار با جوانان خاندان سلطنت به قسمی از تعالی نایل می‌شدند و در تخت ریاست «آموزگار اسواران» تعلیم می‌یافتند.

(منبع: اپهام پوپ. آرتور، ۱۳۸۷، اقتباس و نگارش، پرویز ناتل خانلری، ص ۶۷، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران)

خواندن و نوشتن و حساب و چوگان بازی و شطرنج و سواری و شکار را در آنجا فرا می‌گرفتند و برداشتن و به کار بردن سلاح را می‌آموختند. در آنجا اسب دوانی و مشق تیراندازی می‌کردند و راجع به تربیت اسب و حیوانات دیگر و پرورش پرندگان برای شکار کتاب‌هایی موجود بود.

(منبع: کریستن سن، آرتور، ۱۳۸۷، ایران در زمان ساسانیان، رشید یاسمی صص ۴۰۴-۴۰۵، نشر نگاه، تهران)

جمال و جلال شاهنشاه شکوه و عظمتی عالی داشت، ژان کریز و ستون در وصف یکی از پادشاهان ایران در قرن چهارم میلادی از روی بی احترامی گوید: «ریشی زرنگار دارد و خود را شبیه موجودی عجیب ساخته است»، شعر فیلاکتوس وصف هرمز چهارم جانشین انوشیروان را که با جام‌های گران بها بر تخت نشست، چنین آورده است. تاج زرین مرصع به جواهر بر سر داشت پرتو زبرجدهای آن، که از مروارید غلتان مصور بود، چشم را خیره می‌کرد و گوهرهایی که بر

روی موی او قرار داشت نور موج خود را با شعاع حیرت بخش زمردها چنان آمیخته بود که چشم بیننده از فرط حیرت و شگفتی تقریباً از دیدار عاجز می ماند.

شاهنشاه شلواری زربفت پوشیده بود که آن را با دست گلابتون دوزی کرده بودند و بهایی گزاف داشت، به طور کلی جامه او تا حدی که شکوه سلطنت و میل خودنمایی اقتضا می کرد، دارای بها و جلال بوده.

پادشاهان ساسانی را به لقب اشماغان یا (شماموجودات الهی) یا (مقام الویت شما) خطاب می کردند. پادشاهان مردان پهلوان (یعنی اولین انسان) بود.

(منبع: کریستن سن، آرتور، ۱۳۱۷، ایران در زمان ساسانیان، رشید یاسمی، فصل نهم، نشر نگاه، تهران)

## ۲-۵-۴) پادشاه خسرو پرویز:

حمزه بنابر مجموعه تصاویر شاهان ساسانی، که دیده است، رنگ‌های مخصوص البسه خسرو را چنین ذکر می کند: «خسرو ابرویز، پسر خرمزد، جامه اش گل فام، شلوارش آسمانی و تاجش سرخ بود و نیزه در دست داشت».

امرای بزرگ و سفرای دولت‌های خارجی در قصر دست گرده که در معرض شکوه و جلال سلطنتی بوده، شاهنشاه را در همین لباس می دیدند، موافق روایت بی پیرایه طبری، خسرو در حرم خویش سه هزار زن داشته است. غیر از دخترانی که خدمتکار یا مغنی و مطرب او بودند، سه هزار خادم مرد و هشت هزار و پانصد مرکب و هفتصد و شصت فیل و دوازده هزار قاطر برای حمل بنه

داشته. طبری گوید این پادشاه بیش از هر کس به جواهرات و ظروف گران بها و امثال آن مایل بود. عجایب بارگاه خسرو پرویز ورد زبان مورخان ایرانی و عرب است.

بلعمی و ثعالبی دوازه چیز شگفت از خسرو حکایت کردند؛ از جمله: قصر تیسفون، درفش کاویان، زن او شیرین، رامش گران و مغنیان دربار، یعنی: سرکش و باربد یا پهلکبد، غلامی به نام خوش آرزوگ، اسب شب دیز و فیل سفید. و در روایتی از منابع عهد ساسانی نام چند گنج را ذکر کرده اند، از قبیل، گنج بادآورد، گنج گاو. خسرو تاجی داشت که شصت من زرخالص در آن به کار برده بودند و با مرواریدها و یاقوت‌ها که در شب چون چراغ روشنایی می‌دادند و آن را در شب‌های تار به جای چراغ به کار می‌بردند.

زمردهایش دید افعی را کور می‌کرد. زنجیری از طلا، به طول هفتاد ذراع، از سقف ایوان آویخته، تاج را به آن بسته بودند. که بر سر پادشاه قرار می‌گرفت و از وزن خود آسیبی نمی‌رسانید. بی شبهه آن همان تاجی است، که در بارگاه تیسفون می‌آویختند و طبری هم از آن نام برده است.

(منبع: کریستن سن، آرتور، ۱۳۱۷، ایران در زمان ساسانیان، رشید یاسمی صص ۴۴۷، ۴۴۸ و ۴۴۹، نشر نگاه، تهران)

## ۲-۵-۵) البسه درباریان:

تنوع بسیاری در پارچه لباس شاهان و لباس خدایان و فیل‌بانان، که در حجاریهای تاق بستان و جاهای دیگر به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد، گاهی زینت جامه‌ها ماخوذ از آثار چینی است.